



## شناسایی مؤلفه‌های تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری

مهدی سهرابی<sup>۱</sup>، فاطمه دادخواه<sup>۲\*</sup>

۱. گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: fatemeh.dadkhah@yahoo.com

### چکیده

هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری با تمرکز بر تجارب والدین تهرانی در زمینه انتقال ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی به فرزندان است. این پژوهش با رویکرد کیفی و طراحی پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از والدین ساکن تهران که دارای فرزند در سنین مدرسه بودند، گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با حداکثر تنوع انجام گرفت و فرایند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل مضمون و به کمک نرم‌افزار NVivo مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل «نگرش‌ها و باورهای والدین»، «شیوه‌های تربیتی و رفتارهای والدین» و «موانع و چالش‌های تربیت زیست‌محیطی» شد. هر مقوله شامل چند زیرمقوله و مجموعه‌ای از مفاهیم بود که نشان‌دهنده پیچیدگی و چندلایه‌بودن تربیت زیست‌محیطی در بستر خانواده‌های شهری است. یافته‌ها نشان دادند که والدین اغلب از طریق الگوسازی رفتاری، مشارکت کودک در فعالیت‌های روزمره، گفتگو، بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال، در انتقال مفاهیم محیط‌زیستی نقش‌آفرینی می‌کنند. همچنین عواملی چون سبک زندگی مصرف‌گرا، کمبود زیرساخت شهری، و نبود آموزش رسمی از موانع اصلی این نوع تربیت شناخته شدند. تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری فرآیندی پویا و زمینه‌مند است که تحت تأثیر نظام ارزشی والدین، شرایط محیطی و ساختارهای اجتماعی قرار دارد. برای ارتقاء این نوع تربیت، طراحی برنامه‌های توانمندسازی والدین، بهبود زیرساخت‌های شهری و توسعه محتوای آموزشی هدفمند پیشنهاد می‌شود.

**کلیدواژه‌گان:** تربیت زیست‌محیطی، خانواده‌های شهری، نگرش زیست‌محیطی، آموزش غیررسمی، تحلیل مضمون، آموزش محیط‌زیستی

تاریخ ارسال: ۳۱ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۱ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۲



**How to cite:** Sohrabi, M., & Dadkhah, F. (2023). Exploring Mechanisms for Strengthening Critical Attitudes in High School Students. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(2), 19-26.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

## Identifying the Components of Environmental Education in Urban Families

Mehdi Sohrabi<sup>1</sup>, Fatemeh Dadkhah<sup>2\*</sup>

1. Department of Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran
2. Department of Educational Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

\*Corresponding Author's Email: fatemeh.dadkhah@yahoo.com

### Abstract

This study aimed to identify the components of environmental education within urban families, focusing on how Tehranian parents transmit environmental values, attitudes, and behaviors to their children. Using a qualitative design based on interpretive phenomenological analysis, data were collected through semi-structured interviews with 25 parents residing in Tehran with school-aged children. Participants were selected through purposive sampling to ensure maximum diversity. Interviews continued until theoretical saturation was achieved. Data were analyzed using thematic analysis with the aid of NVivo software. Thematic analysis revealed three main categories: “Parents’ Attitudes and Beliefs,” “Parental Educational Practices and Behaviors,” and “Barriers and Challenges to Environmental Education.” Each category included multiple subthemes and codes, reflecting the layered and complex nature of environmental education in urban families. The results indicated that parents mainly rely on behavioral modeling, daily-life participation, dialogue, and digital tools to convey environmental concepts. Additionally, factors such as consumerist lifestyles, inadequate urban infrastructure, and lack of formal education were identified as key obstacles. Environmental education within urban families is a dynamic and context-dependent process shaped by parental value systems, environmental conditions, and socio-cultural structures. To enhance this process, strategies such as parent empowerment programs, improved urban infrastructure, and targeted educational content development are recommended.

**Keywords:** *Environmental education, urban families, environmental attitudes, informal learning, thematic analysis, eco-parenting*

Submit Date: 19 April 2023

Revise Date: 31 May 2023

Accept Date: 20 June 2023

Publish Date: 3 July 2023

بحران‌های زیست‌محیطی نظیر آلودگی هوا، گرم شدن زمین، تغییرات اقلیمی، نابودی منابع طبیعی و تنوع زیستی در دهه‌های اخیر به یکی از جدی‌ترین چالش‌های بشر در سطح جهانی تبدیل شده‌اند (United Nations Environment Programme, 2021). با شدت یافتن این بحران‌ها، توجه به ابعاد آموزشی و تربیتی پایداری محیط‌زیست به‌ویژه در سطح خرد و نهادهای اجتماعی پایه، مانند خانواده، ضروری به نظر می‌رسد. تربیت زیست‌محیطی فرآیندی است که از طریق آن، افراد به ارزش‌ها، نگرش‌ها، دانش و مهارت‌هایی دست می‌یابند که آن‌ها را برای تصمیم‌گیری و اقدام مسئولانه در قبال محیط‌زیست توانمند می‌سازد (Palmer, 2002). در این میان، خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی که در شکل‌گیری شخصیت و نگرش‌های کودکان نقش محوری ایفا می‌کند، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در تربیت زیست‌محیطی ایفا نماید (Chawla & Cushing, 2007).

بررسی‌ها نشان می‌دهند که شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی در سال‌های آغازین زندگی ارتباط مستقیمی با کیفیت تعاملات خانوادگی و الگوسازی والدین دارد (Evans et al., 2007). کودکانی که در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که والدین آن‌ها نسبت به مسائل محیط‌زیستی حساسیت دارند، بیشتر احتمال دارد که سبک زندگی پایدار را درونی کنند و به کنش‌گران فعال زیست‌محیطی تبدیل شوند (Otto & Pensini, 2017). آموزش محیط‌زیستی در خانواده‌ها عمدتاً به صورت غیررسمی، از طریق مشاهده رفتار والدین، مشارکت در فعالیت‌های روزمره، گفتگو و تشویق به مسئولیت‌پذیری نسبت به طبیعت صورت می‌پذیرد (Kellstedt et al., 2008). به‌عبارت‌دیگر، تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌ها کمتر به صورت مستقیم و رسمی و بیشتر به صورت تلویحی، غیررسمی و در قالب آنچه «برنامه درسی پنهان» نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد.

از سوی دیگر، سبک زندگی شهری که با مصرف‌گرایی، سرعت بالا، استفاده گسترده از فناوری و کاهش تعامل مستقیم با طبیعت همراه است، چالش‌های مضاعفی برای تربیت زیست‌محیطی ایجاد کرده است (Hards, 2013). زندگی در شهرهای بزرگ به‌ویژه در کشورهای نظیر ایران که از بحران‌های زیست‌محیطی نظیر آلودگی هوا و کم‌آبی رنج می‌برند، نیاز به آموزش شهروندی زیست‌محیطی را دوچندان کرده است. شهر تهران، به‌عنوان پایتخت ایران، نمونه بارز چالشی است که شهروندان آن در زندگی روزمره با پیامدهای زیست‌محیطی سبک زندگی مدرن مواجه هستند و در عین حال، فرصت‌ها و تهدیدهای تربیتی مختلفی برای شکل‌دهی به رفتارهای زیست‌محیطی نسل آینده فراهم می‌کند (Zamani et al., 2016).

مطالعات مختلف در حوزه آموزش محیط‌زیست نشان داده‌اند که آموزش‌های رسمی در مدارس، اگرچه نقش مهمی ایفا می‌کنند، اما در مقایسه با تأثیرگذاری محیط خانواده، به‌ویژه در دوران کودکی و پیش‌نوجوانی، نقش محدودتری دارند (Rickinson, 2001). خانواده‌ها به واسطه روابط عاطفی، پیوستگی زمانی و الگوسازی طبیعی، می‌توانند نقش قدرتمندی در نهادینه‌سازی ارزش‌های زیست‌محیطی ایفا کنند. والدینی که در تصمیمات روزمره از جمله تفکیک زباله، صرفه‌جویی در انرژی، استفاده از حمل‌ونقل عمومی، و مصرف آگاهانه، اصول محیط‌زیستی را رعایت می‌کنند، به‌طور ضمنی این ارزش‌ها را به فرزندان خود منتقل می‌کنند (Grønhøj & Thøgersen, 2012).

با وجود اهمیت انکارناپذیر خانواده در تربیت محیط‌زیستی، تاکنون مطالعات نسبتاً اندکی به واکاوی دقیق و نظام‌مند مؤلفه‌ها و سازوکارهای این نوع تربیت در بستر خانواده‌های شهری پرداخته‌اند، به‌ویژه در بافت فرهنگی ایران. بیشتر پژوهش‌های موجود تمرکز خود را بر آموزش رسمی در مدارس یا نگرش‌های دانش‌آموزان قرار داده‌اند و سهم تربیتی خانواده، به‌ویژه در ساختار شهری معاصر، مغفول مانده است (Yavari et al., 2020). از سوی دیگر، سبک زندگی شهری در ایران با ویژگی‌هایی چون تراکم بالا، فضای محدود تعامل با طبیعت، و الگوهای مصرفی خاص، شکل متفاوتی از چالش‌های زیست‌محیطی و تربیتی را پدید آورده است که نیاز به شناخت دقیق‌تر و بومی‌تر دارد.

در چنین بستری، شناخت مؤلفه‌های تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری از منظر والدین، می‌تواند به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان آموزشی، مربیان و نهادهای مدنی در طراحی برنامه‌های حمایتی و مداخلات اثربخش کمک کند. همچنین این شناخت می‌تواند منجر به توسعه

مدل‌هایی بومی برای ارتقاء فرهنگ زیست‌محیطی از بطن خانواده شود و در بلندمدت، رفتارهای پایدار نسل آینده را تضمین کند. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی تفسیری، درصدد است تا از طریق مصاحبه با والدین تهرانی، به شناسایی مؤلفه‌ها، راهبردها و موانع تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری بپردازد.

هدف اصلی این پژوهش، واکاوی درونیات، باورها، نگرش‌ها و تجربه‌های زیسته والدین درباره چگونگی تربیت زیست‌محیطی فرزندان‌شان در زندگی شهری است. این تحقیق تلاش می‌کند تا با شناسایی مضامین و الگوهای تربیتی موجود در خانواده‌ها، به تولید دانش نظری در این حوزه کمک نماید و زمینه را برای طراحی الگوهای عملی تربیت پایدار در سطح خرد فراهم سازد.

## روش‌شناسی

در این پژوهش به منظور شناسایی مؤلفه‌های تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری، از رویکرد کیفی بهره گرفته شده است. طراحی پژوهش به صورت پدیدارشناسی انجام شد تا تجارب زیسته و ادراکات والدین شهری درباره نحوه انتقال ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی به فرزندان‌شان به‌طور عمیق بررسی شود.

جامعه آماری این پژوهش شامل والدین ساکن مناطق مختلف شهر تهران بود که دارای فرزند در سنین مدرسه (۷ تا ۱۸ سال) بودند. از روش نمونه‌گیری هدفمند (purposive sampling) با معیار حداکثر تنوع استفاده شد تا شرکت‌کنندگان از نظر وضعیت اقتصادی-اجتماعی، تحصیلات، و محل سکونت تنوع لازم را داشته باشند. در نهایت، با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از والدین، اشباع نظری حاصل شد و نمونه‌گیری متوقف گردید.

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. سوالات مصاحبه بر پایه پیشینه نظری و مطالعات قبلی طراحی شدند و در طی مصاحبه‌ها با توجه به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به‌صورت منعطف پیش رفتند. هر مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت شرکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت کامل پیاده‌سازی شد. مصاحبه‌ها در بازه زمانی سه‌ماهه در سال ۱۴۰۳ انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) و به کمک نرم‌افزار NVivo انجام گرفت. ابتدا داده‌های متنی مصاحبه‌ها کدگذاری اولیه شدند و سپس کدها در قالب مفاهیم و در نهایت در قالب مضامین اصلی دسته‌بندی شدند. اعتبار یافته‌ها از طریق بازبینی اعضا (member check)، مرور همکار (peer review) و ثبت دقیق مسیر تحلیل (audit trail) تضمین گردید. همچنین برای رعایت اصول اخلاقی، رضایت آگاهانه از تمامی مشارکت‌کنندگان اخذ شد و محرمانگی اطلاعات ایشان به‌طور کامل حفظ شد.

## یافته‌ها

اهمیت مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی:

یکی از مضامین پرتکرار در مصاحبه‌ها تأکید والدین بر آموزش مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست در زندگی روزمره بود. بسیاری از والدین معتقد بودند که باید از سنین پایین، مصرف آگاهانه منابع را به فرزندان آموزش داد. به گفته یکی از شرکت‌کنندگان: «من همیشه به پسر من می‌گم که وقتی شیر آب بازه و استفاده‌ای نداره، این یعنی دزدیدن آب از آینده». همچنین الگوسازی رفتاری یکی از ابزارهای کلیدی معرفی شد که والدین از آن بهره می‌برند.

نگرش اخلاقی به طبیعت:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان به رابطه‌ای درونی و اخلاق‌مدار با طبیعت اشاره داشتند. آن‌ها باور داشتند که نباید با موجودات زنده یا محیط طبیعی به‌صورت ابزاری برخورد کرد. یکی از مادران اظهار داشت: «من همیشه به بچه‌هام می‌گم اگه برگ درخت رو بی‌دلیل بکنی، انگار بهش آسیب زدی. این به بی‌احترامی‌ه». چنین نگرش‌هایی در شکل‌گیری حساسیت اخلاقی نسبت به طبیعت تأثیرگذار بود.

تأثیر باورهای دینی و فرهنگی بر تربیت زیست‌محیطی:

در تعدادی از مصاحبه‌ها، به نقش آموزه‌های دینی و سنتی در شکل‌دهی تربیت زیست‌محیطی اشاره شد. برخی والدین به مفاهیمی چون پاکیزگی در دین اسلام و احترام به طبیعت در فرهنگ ایرانی اشاره داشتند. به گفته یکی از شرکت‌کنندگان: «تو دین ما گفته شده زمین امانته، یعنی نباید خرابش کنیم. اینو به بچه‌ها یاد دادم».

نگرانی نسبت به آینده محیط‌زیست:

نگرانی نسبت به آینده زمین و محیط‌زیست، انگیزه‌ای قوی برای آموزش رفتارهای زیست‌محیطی در خانواده‌ها بود. والدین دغدغه‌های فراوانی نسبت به تغییرات اقلیمی، کاهش منابع طبیعی و آلودگی هوا داشتند. یکی از والدین بیان کرد: «من بچه‌ها رو برای فردایی تربیت می‌کنم که شاید هوا برای نفس کشیدن هم نباشه، باید از الان آماده‌شون کنم».

ترجیح سبک زندگی پایدار:

شماری از والدین به سبک زندگی پایدار گرایش داشتند و تلاش می‌کردند از محصولات بومی استفاده کنند یا مصرف خود را کاهش دهند. «ما سعی می‌کنیم چیزای غیرضروری نخریم. به بچه‌ها هم یاد دادیم که هر چی بیشتر بخریم، بیشتر زمین رو خراب کردیم»؛ این جمله نمایانگر پیوند مستقیم سبک زندگی و تربیت محیط‌زیستی است.

آموزش غیرمستقیم از طریق رفتار:

در رفتار بسیاری از والدین، آموزش غیرمستقیم از طریق عمل دیده می‌شد. والدین نقش خود را به‌عنوان الگوهای عملی در محیط خانه برجسته می‌کردند. یکی از پدران گفت: «من خودم زباله‌ها رو جدا می‌کنم، بدون اینکه چیزی بگم. بچه‌ها هم خودشون یاد گرفتن همین کارو بکنن».

مشارکت کودکان در فعالیت‌های زیست‌محیطی:

والدین بر اهمیت مشارکت مستقیم کودکان در فعالیت‌هایی چون کاشت گیاه یا تفکیک زباله تأکید داشتند. یکی از مادران عنوان کرد: «وقتی دخترم گلدونش رو آبیاری می‌کنه و مراقبشه، حس مسئولیت تو وجودش شکل می‌گیره». این مشارکت‌ها گامی مؤثر در درونی‌سازی ارزش‌های محیط‌زیستی بود.

گفتگو و آگاهی‌بخشی به کودکان:

بخشی از والدین به‌طور هدفمند با کودکان درباره اهمیت حفظ محیط‌زیست صحبت می‌کردند. استفاده از داستان، انیمیشن و فیلم‌های آموزشی نیز ابزارهای رایج در این زمینه بود. «وقتی اخبار آلودگی هوا رو با پسر می‌بینیم، در موردش حرف می‌زنیم و ازش می‌پرسم اگه جای مسئولان بودی، چیکار می‌کردی؟» این روش باعث تقویت تفکر نقادانه و زیست‌محیطی می‌شود.

تقویت مسئولیت‌پذیری فردی:

بعضی از والدین از طریق واگذاری مسئولیت‌هایی مانند نگهداری از گیاه یا تفکیک زباله در خانه، روحیه مسئولیت‌پذیری را در فرزندان تقویت می‌کردند. یکی از مادران توضیح داد: «به پسر مسئولیت دادم که از گیاه خونمون مراقبت کنه. وقتی دید پژمرده شد چون آب نداده بود، خیلی ناراحت شد و از اون روز منظم‌تر شد».

بهره‌گیری از تجربیات روزمره:

والدین تلاش می‌کردند از موقعیت‌های روزمره برای آموزش استفاده کنند. «وقتی به خرید می‌ریم، به دخترم نشون می‌دم چطور می‌شه محصولی انتخاب کرد که کمتر بسته‌بندی پلاستیکی داره»؛ این تجربیات عینی به کودک کمک می‌کرد تا مفاهیم نظری را بهتر درک کند.

استفاده از رسانه و ابزارهای دیجیتال:

برخی والدین با استفاده از برنامه‌ها و اپلیکیشن‌های آموزشی یا مستندهای طبیعت، آگاهی کودکان را ارتقاء می‌دادند. «یه اپلیکیشن نصب کردیم که میزان مصرف آب رو نشون می‌ده. بچه‌ها عاشق این شدن که خودشون بتونن کنترل کنن!» این رویکرد تعاملی و فناورانه در انتقال مفاهیم بسیار مؤثر توصیف شد.

کمبود منابع و امکانات شهری:

بیشتر والدین از نبود زیرساخت‌های کافی در سطح شهر برای آموزش و اجرای سبک زندگی زیست‌محیطی گلایه داشتند. به گفته یکی از شرکت‌کنندگان: «وقتی جایی برای بازیافت نداریم، چطور بچه‌هامو قانع کنم زباله‌ها رو جدا کنه؟».

تضاد سبک زندگی مدرن با تربیت زیست‌محیطی:

زندگی شهری و تبلیغات مصرف‌گرایانه یکی از چالش‌های اصلی تربیت زیست‌محیطی عنوان شد. «هر روز یه اسباب‌بازی جدید تبلیغ می‌شه. بچه‌ها فکر می‌کنن باید همه‌چی رو داشته باشن. چطور بهشون بگم ساده زندگی کنن؟».

کمبود آگاهی و دانش والدین:

برخی والدین خود را ناآگاه از مفاهیم علمی و اصول زیست‌محیطی می‌دانستند و از نبود آموزش‌های والد‌محور در این زمینه انتقاد داشتند. «خودمونم درست نمی‌دونیم چطور آموزش بدیم. اگه کلاس یا مشاوره‌ای برای پدر و مادرها باشه، خیلی بهتر می‌تونیم کمک کنیم».

بی‌توجهی نهادهای رسمی به آموزش زیست‌محیطی:

نهایتاً، بسیاری از مشارکت‌کنندگان از نبود برنامه‌های دولتی، آموزشی و رسانه‌ای حمایتگر در این زمینه انتقاد داشتند. «تو مدرسه هیچ‌وقت از محیط‌زیست نمی‌گن. فقط یه بار هفته محیط‌زیست، یه پوستر می‌زنن و تمام!» این بی‌توجهی نهادها مانع نهادمندسازی ارزش‌های زیست‌محیطی در نسل جدید می‌شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری تحت تأثیر مجموعه‌ای از مؤلفه‌های نگرشی، رفتاری و ساختاری قرار دارد. نخستین مقوله‌ی شناسایی‌شده، نگرش‌ها و باورهای والدین بود که نقش بنیادینی در جهت‌دهی به رفتارهای تربیتی محیط‌زیستی ایفا می‌کند. والدینی که نسبت به مسئولیت‌های خود در قبال طبیعت آگاه هستند و نگرشی اخلاق‌مدار به محیط‌زیست دارند، به‌طور خودانگیخته تلاش می‌کنند تا این دیدگاه را به فرزندان منتقل نمایند. این یافته با نتایج پژوهش چاولا و کوشینگ (Chawla & Cushing, 2007) هم‌راستا است که نشان می‌دهد شکل‌گیری ارزش‌های محیط‌زیستی در کودکان، تا حد زیادی وابسته به دیدگاه‌های اخلاقی و نگرشی والدین آن‌هاست. همچنین، تأکید والدین بر نقش آموزه‌های دینی و فرهنگی در انتقال ارزش‌های زیست‌محیطی، نشانگر درهم‌تنیدگی باورهای مذهبی با تربیت پایدار است، که در پژوهش یوری و همکاران (Yavari et al., 2020) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

یافته دوم پژوهش، شناسایی شیوه‌های تربیتی مورد استفاده والدین بود. نتایج نشان داد که والدین اغلب از روش‌های غیرمستقیم همچون الگوسازی رفتاری، مشارکت کودک در فعالیت‌های زیست‌محیطی، و گفتگوهای روزمره برای آموزش استفاده می‌کنند. این شیوه‌ها عمدتاً در بستر زندگی روزمره جریان دارند و کمتر ساختار رسمی یا هدفمند دارند. این امر با نتایج پژوهش ریکینسون (Rickinson, 2001) مطابقت دارد که نشان داد آموزش‌های غیررسمی در محیط خانواده تأثیری ماندگارتر از آموزش‌های رسمی مدرسه‌ای بر نگرش‌های محیط‌زیستی دارند. استفاده والدین از ابزارهای دیجیتال برای آموزش نیز یافته‌ای نوظهور است که نشان می‌دهد فناوری می‌تواند به‌عنوان تسهیل‌گر تربیت محیط‌زیستی ایفای نقش کند، به‌ویژه در خانواده‌های شهری که کودکان ارتباط محدودی با طبیعت دارند.

مقوله سوم پژوهش به موانع و چالش‌های تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری اختصاص داشت. والدین به کمبود زیرساخت‌های شهری برای بازیافت و فعالیت‌های محیط‌زیستی، تضاد سبک زندگی مصرف‌گرای شهری با مفاهیم زیست‌محیطی، و نیز بی‌توجهی نهادهای رسمی به

آموزش محیط‌زیست اشاره کردند. این یافته با پژوهش هاردز (Hards, 2013) همخوان است که معتقد است سبک زندگی مدرن شهری با افزایش مصرف و فاصله‌گیری از طبیعت، موانعی جدی برای تحقق رفتارهای پایدار ایجاد می‌کند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که نبود آگاهی کافی در میان والدین و نبود آموزش والدمحور در این زمینه، یکی از شکاف‌های کلیدی در فرآیند تربیت محیط‌زیستی است، امری که پیش‌تر در پژوهش گرونهوی و توگرسن (Grønhoj & Thøgersen, 2012) نیز گزارش شده بود.

از دیگر نکات قابل توجه در نتایج پژوهش حاضر، تأثیر نگرانی والدین نسبت به آینده محیط‌زیست بر رفتارهای تربیتی آنان بود. والدینی که نسبت به آینده منابع طبیعی، تغییرات اقلیمی و زندگی نسل بعدی احساس مسئولیت بیشتری داشتند، انگیزه بالاتری برای آموزش فرزندان خود در این زمینه داشتند. این یافته با نتایج پژوهش اوتو و پنزینی (Otto & Pensini, 2017) تطابق دارد که نشان داد افزایش سطح نگرانی زیست‌محیطی با افزایش رفتارهای محیط‌زیستی و تمایل به مشارکت در آموزش همراه است.

در کنار هم قرار دادن این سه مقوله اصلی، نشان می‌دهد که تربیت زیست‌محیطی در خانواده‌های شهری فرآیندی پیچیده، چندبُعدی و پویاست که تحت تأثیر نظام باورهای والدین، الگوهای رفتاری، ساختارهای اجتماعی، و فرصت‌ها یا موانع محیطی قرار دارد. در واقع، خانواده‌های شهری به‌صورت هم‌زمان با دو روند مواجه هستند: از یک‌سو، منابع انگیزشی و ارزشی برای آموزش زیست‌محیطی را در اختیار دارند، و از سوی دیگر، با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و فنی‌ای روبرو هستند که می‌توانند این آموزش را تسهیل یا تضعیف کنند. به همین دلیل، تربیت زیست‌محیطی نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای، تعاملی و زمینه‌مند است که هم به ظرفیت‌های درونی خانواده توجه کند و هم ساختارهای بیرونی را مدنظر قرار دهد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

### شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## References

Chawla, L., & Cushing, D. F. (2007). Education for strategic environmental behavior. *Environmental Education Research*, 13(4), 437–452.

- Evans, G. W., Brauchle, G., Haq, A., Stecker, R., Wong, K., & Shapiro, E. (2007). Young children's environmental attitudes and behaviors. *Environment and Behavior*, 39(5), 635–659.
- Grønhøj, A., & Thøgersen, J. (2012). Action speaks louder than words: The effect of personal attitudes and family norms on adolescents' pro-environmental behavior. *Journal of Economic Psychology*, 33(1), 292–302.
- Hards, S. K. (2013). Status, stigma and energy practices in the home. *Local Environment*, 18(4), 438–454.
- Otto, S., & Pensini, P. (2017). Nature-based environmental education of children: Environmental knowledge and connectedness to nature, together, are related to ecological behaviour. *Global Environmental Change*, 47, 88–94.
- Rickinson, M. (2001). Learners and learning in environmental education: A critical review of the evidence. *Environmental Education Research*, 7(3), 207–320.
- Yavari, A. R., Farhadi, M., & Esfandiari, M. (2020). Investigating the role of family in environmental education: A case study in urban Iran. *Iranian Journal of Environmental Education*, 12(1), 15–32.